

## بررسی آموزه‌های اخلاقی و تربیتی جامعه در اشعار شریف مرتضی و اوحدی مراغه‌ای

آذر امیری میجانی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۷/۳۰

دکتر اسماعیل اسلامی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

دکتر حمید طبسی<sup>۳</sup>

## چکیده

بی‌شک اخلاق از اساسی‌ترین مباحث زندگی فردی و اجتماعی هر ملت می‌باشد. در اسلام، بعد از یکتاپرستی هیچ موضوعی مانند اخلاق مورد اهتمام واقع نگردیده است. به همین علت، مسائل اخلاقی در شعر و ادب هر ملتی، به ویژه حوزه ادبیات فارسی، انعکاس فراوان دارد. پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی-توصیفی و گردآوری اطلاعات از دیوان شعر اوحدی مراغه‌ای و مجموعه پنج جلدی کتاب امالی شریف المرتضی و استخراج اشعاری که حاوی مضامین اخلاقی و تربیتی بوده‌اند، تدوین شده است. از نتایج این پژوهش چنین بر می‌آید که این شاعران دارای مکتب فکری هستند و با بنیان دانشگاه اندیشه به علوم مختلف اشراف داشته‌اند و با زایش اندیشه خلاق، نابغه روزگار خود و الگوی ماندگاری در تاریخ، برای جهان بشریت شده‌اند. دیگر این که رویکردهای اخلاقی و تربیتی مشترک در شعر این شاعران، از جمله توجه به تهذیب نفس، صبر و بردباری، ظلم‌ستیزی، تواضع و فروتنی، عفو و بخشش، حُسن خلق و ... است که باعث می‌شود، سخن و کلامشان هرگز رنگ کهنگی به خود نگیرد. دستاورد دیگر این پژوهش بیانگر این است که ادبیات، هنر لفظ گردانی و آوازه‌ها در قالب شعر و داستان یا حکایت و طنز نیست، بلکه معرف مکاتب فکری بزرگ و خردمندانه‌ای است که می‌تواند راهنمای جهان بشریت باشد و علم و هنر تلفیقی ورود به دنیای علوم دیگر است و آن را می‌توان به اب‌العلوم و یا ام‌العلوم تعبیر کرد؛ زیرا تمامی دانش‌ها و علوم دیگر برای عرضه خود و ایجاد روابط علمی و انسانی، نیازمند دانش‌های ادبیات هستند.

**کلید واژه:** ادبیات تعلیمی، ادب فارسی و عربی، شریف المرتضی، اوحدی مراغه‌ای.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران

Amiri46929@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران (نویسنده مسئول) es596262@gmail.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران. tabasi49@iaui.ac.ir

با توجه به این که علم و دانش ادبیات ام‌العلوم می‌باشد و شناخت شاعران و نویسندگان و فرهنگ و ادب، جزء میراث فرهنگی هر کشور محسوب می‌شوند؛ اعتقاد بر این است که ادبیات هنر است و شاعران و ادیبان؛ هنرمندان این عرصه زیبایی شناختی اندیشه هستند. زبان هر شاعری انعکاس عواطف و احساسات و اندیشه‌های ناب و راه‌گشایی است که شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... بر او تأثیر گذاشته است. این مسائل و شرایط باعث شده تا هنر ادبیات و شعر و شاعری در دوره‌های مختلف از لحاظ صورت ظاهر، عمق، زبان، فکر و تعبیر، نقاط قوت و ضعفی داشته باشد. بر این اساس شعر تمامی شاعران نیز متأثر از دوران‌های زندگی آنان است. از طرف دیگر قانون اخلاق به مصداق آیات هفتم و هشتم سوره شمس، در نفس انسان به صورت فطری وجود دارد، طبق تفسیر این آیات، قانون اخلاق که در فطرت و طبیعت انسان وجود دارد، نیاز به پرورش و هدایت دارد. بنابراین می‌توان گفت قوه اندیشه و تدبر و تعقل، سلامت و عافیت طلبی، قدرت عزم و تصمیم، محبت متقابل، ارزش‌های اخلاقی و فلسفی و دینی و عناصر عاطفی این همه در سرشت انسان وجود دارد. باید در نظر داشت که وجود انسان از دو بعد مادی و معنوی تشکیل شده است و بر اثر قوای غضب و شهوت ممکن است دچار فساد و فنا شود و از طرف دیگر انسان به مصداق تفسیر آیه شریفه سی‌ام سوره بقره، اشرف مخلوقات است و قدرت تحمل اسرار و حقایقی را دارد که حتی از توانایی فرشتگان خارج است و بر این اساس، در طول قرون مختلف، علاوه بر روشنگری‌های کتب مقدس، سیره پیامبران و امامان و صاحب نظران علم اخلاق و دلسوزان در شاخه‌های مختلف علوم، اندیشمندان بزرگی همواره دغدغه سعادت بشر را در سر می‌پروراندند و از جمله این اندیشمندان در حوزه علوم انسانی و ادبیات بسیار چشمگیر و قابل توجه هستند. در این رساله با توجه به دغدغه امور تربیتی و اخلاقی، روشنگری‌های دو شاعر بزرگ به نام‌های شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای در زمینه آموزه‌های اخلاقی و تربیتی مورد نقد معنایی و تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- بیان مسئله:

مقوله‌های اخلاقی، یکی از مقوله‌های بسیار ضروری و مهم جوامع بشری است و یکی از دغدغه‌های اولیه بشر که به وسیله آن، راه سعادت و کمال انسان ترسیم می‌شود، علم اخلاق می‌باشد. ادبیات فارسی، مخصوصاً شعر، سرشار از محتوای زیبای اخلاقی و مضامین دل‌چسب تربیتی مورد توجه مردم می‌باشد، به طریقی که اقشار مختلف تحصیل کرده و بی‌سواد، به شعر علاقه زیادی دارند و می‌توان گفت که شعر در کنار سایر مضامین و آثار ادبی، از ارزش و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از اهداف ادبیات در شعر تعلیمی سلامت و پرورش اجتماع بشری می‌باشد؛ به طوری که در شعر شاعران قرون گذشته و قرون معاصر، همواره نقد از مسائل مختلف اجتماع بشری، از جمله اخلاق و معضلات اجتماعی و رفتاری مردم و حکومت‌ها، مشهود است. بر این اساس اگر همواره معضلات مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اخلاقی و تربیتی در هنر ادبیات جلوه‌گر شوند بسیار سودمند و تاثیر گذار خواهد بود. ادبیات تعلیمی یکی از انواع ادبیات است که شخص آفریننده آن با پیام‌های زیبای خود نقش بیدار کننده‌ای را برای مخاطب خود ایفا می‌کند. رسالت بزرگ ادبیات تعلیمی، از دید ادیبان و بزرگان، آگاهی بخشیدن به انسان‌ها از جنبه‌های مختلف تربیتی، اجتماعی، مذهبی و استحکام مکارم اخلاق و اصلاح رفتار بشر، و حذف رذیلت‌های اخلاقی در تمام جوامع بشری می‌باشد. ادبیات تعلیمی، دنباله‌رو مضامین اخلاقی قرآن کریم و سیره پیامبران که رسالت اصلی آنها تربیت بشر بوده است می‌باشد. دو شاعر بزرگ با اندیشه‌های والا به نام‌های شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای، نسبت به مسائل فرهنگی و اخلاقی جامعه خود، بی‌تفاوت نبوده‌اند و شعر آنها، سرشار از مضامین اخلاقی و تربیتی است که بررسی آنها، به شناخت بهتر اندیشه‌های شعری آنها و جامعه روزگار آنان، منجر می‌شود.

۱-۲- پیشینه پژوهش: پژوهش در زمینه موضوعات اخلاقی و تربیتی، بارها در آثار قرآن‌پژوهان و اندیشمندان اسلامی صورت گرفته است. در ادب فارسی و عربی نیز به دلیل جایگاه مهم اخلاق در زندگی، پژوهش‌های متعددی در آثار نظم و نثر صورت گرفته و بسیاری از ادبا و نویسندگان، تألیفات متعددی پیرامون موضوعات اخلاقی یا تربیتی در آثار شاعران مختلف انجام داده‌اند. بنابراین با توجه به ارزش والای اخلاق در زندگی، پرداختن به این بحث، از موضوعات مورد توجه علم اخلاق بوده، اما با موضوع خاص مقاله حاضر که آموزه‌های اخلاقی و تربیتی جامعه در اشعار شریف مرتضی و اوحدی مراغه‌ای مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد، تحقیقی یافت نشد.

۱-۳- روش تحقیق: روش پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی می‌باشد؛ بدین صورت که ابتدا با مراجعه به کتب، مقالات و پژوهش‌های انجام یافته، در ارتباط با موضوع، فیش برداری‌های لازم انجام شده، سپس با مطالعه اشعار شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای، به بررسی و تحلیل موضوعات اخلاقی در اشعار این دو شاعر پرداخته شده است.

## ۲- بررسی آموزه‌های اخلاقی و تربیتی جامعه در اشعار شریف مرتضی و اوحدی مراغه‌ای

### ۲-۱- پند و اندرز:

\* شاعر، شریف مرتضی، شخصیت شیعه مذهب و منتسب به خاندان علوی از سادات می‌باشد و مقید به دین اسلام و قرآن و فرامین الهی می‌باشد و در دوران حیات علمی و شکوفایی علمی‌اش، کانون توجه بزرگان و اهل علم امیران بوده است. چنان است که شخصیت‌هایی از ادیان مختلف، شیفته کلاس و درس و وعظ او بوده‌اند و این نشان دهنده شخصیت فرامذهبی او است. شریف

مرتضی در اشعار زیر به ثروت اندوزان پند و اندرز می دهد، تا به وسیله آن راه سعادت و کمال خود را در پیش گیرند، که تحفه ای برای آخرت آنان شود نه میراثی ماندگار برای دیگران و بن بست دنیا که هیچ سودی به حال آنها نخواهد داشت.

إلا إنَّ ذوی الاموال  
تعامینا و کلَّ الناس  
و لودنیا ولکن اَین  
الموراث خزان  
فی ذی الدَّار عمیان  
أسماع و آذان

(نگ:حسینعلیان، ۱۳۹۴: ۳)

در این جا خطاب به دنیا پرستان می گوید: آیا نمی بینید مال دنیا مثل برگ پاییزی است که فرو می ریزد و باقی نمی ماند؛ پس چرا در جمع آوری آن طمع دارید و چشم و گوش خود را بسته اید؟ این همه مال و ثروتی که اندوخته اید برای وارثان است نه برای خودتان، پس آن را به نحو احسن در کار خیر به کار گیرید تا ذخیره ای برای آخرتتان باشد.

اوحدی نیز توصیه می کند که، نباید دل به دنیا بست، چرا که این دنیا آباد نیست؛ بلکه ویرانه است و چنین بیان می دارد: اگر دل به متاع دنیا ببندی، حتما در دام این دنیا نیز اسیر و گرفتار خواهی شد، پس به دنبال آباد کردن دنیا هرگز نباشید.

نگفت که : منه دل برین خراب آباد ؟  
دلت ز دام بلا گرچه می رمد ببین  
که بر کف تو نخواهد شد این خراب، آباد  
که : هم بدانه نظر کرد و هم بدام افتاد  
به خانه ساختند میل بود و می گفتم :  
نگاه دار که بر سیل می نهی بنیاد

(اوحدی، ۱۳۶۲: ۴۰)

افرادی که به دنیا و متاع دنیا بها می دهند طبق آیه ۷ سوره یونس از غافلان می باشند:

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ؛

آنهایی که به لقاء ما دل نسبته و امیدوار نیستند و به زندگی پست دنیا دلخوش و دل بسته اند و آنهایی که از آیات و نشانه های ما غافلند.

\* شاعر در جایی دیگر با استفاده از منابع ادبی بار دیگر بی ارزش بودن دنیا را به آسیاب تشبیه کرده و انسان را به دانه. پس ای انسان این جهان زود گذر و فانی را به عنوان مقصد و مقصود انتخاب نکن. مال و اموال هیچ کدام مناسب حال انسان در آخرت نیستند. چاره ای بیندیش تا آنچه در آخرت دستگیر تو خواهد شد، فراهم آوری.

زین چیزها که داری و دل بسته ای درو  
نفست و حکمت آنکه نمیرد به وقت مرگ  
دریاب : تا چه چیز تو را روی در بقاست  
وین آلت دگر همه را روی در فناست  
این گنج مال و خواسته کاند وختی به عمر  
گردانه می نشود جز به آسیاب  
می دان که : یک به یک ز تو خواهند باز خواست  
ما دانه ایم و گردش این گنبد آسیاب

(اوحدی، ۱۳۶۲: ۳۳)

هر دو شاعر در بسیاری از اشعار خود تأکید بر ترک تعلقات دنیوی دارند و کام یافتن در دنیا را زود گذر دانسته و همچنان دنیا را در حق انسان بی وفا می پندارند؛ مگر این که انسان از دنیا به عنوان وسیله و ابزار کارآمدی استفاده کند برای آخرت و زندگی جاودانه اخروی خودش.

## ۲-۲-تهذیب نفس:

وقتی صحبت از تهذیب نفس به میان می آید، بی وقفه ذهن انسان به جستجوی چیزی متعالی می پردازد که از آن می توان نخست به محاسن اخلاق و سپس به مکارم اخلاق پی برد؛ زیرا اگر این دو در وجود هر انسانی رشد یابند و دیگر بحث تهذیب نفس به شکل آرمانی خودش محقق شده است.

در سوره بقره آیه ۱۲۹ چنین آمده است:

رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛

پروردگارا، در میان آنان رسولی از خودشان برانگیز که بر آنان تلاوت آیات تو کند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد و روانشان را (از هر زشتی) پاک و منزه سازد، که تو بر هر کار که خواهی قدرت و علم کامل داری.

شریف مرتضی می گوید:

و إن الطَّوَيُّ بِالْعَزِّ احسن بالفتی	إذ كان من كسب المذله طعمه
و إن لأنھی النفس عن كل لذه	إذما ارتقی منها إلى العرص و صمه
و أعرض عن نیل الثریا إذ ابدأ	و فی نیله سوء المقال و ذمه
أعفّ و ما الفحشاء عنی بعیده	و حسبی فی صدّ عن الأمر إثمه

ولكن من ولی عن السوء حزمه

(شریف مرتضی، امالی، ج ۲، ۸۸۲)

\* شریف المرتضی در این اشعار چنین بیان می دارد که ممکن است موقعیت های فراوانی برای به هم خوردن تعادل روحی و نفسانی مان به وجود آید، بلکه باید همواره در تمامی لحظات با امر مراقبه و خرد انسانی نفس خود را مدیریت کنیم و به مرحله بازداري برسیم.

در عمق معنای این اشعار چنین است که هر شخص می تواند، معلم خودش باشد و به تربیت نفس خودش پردازد.

اوحدی مراغه‌ای می سرايد:

ز خاکدان فنا هیچ آبرویی نجوی	کزین هوس تو به آتش روی و عمر به یاد
به حرص بر دل خود نقش زر مکن شیرین	که آخر از غم شیرین هلاک شد فرهاد
گشاده کن به کرم دست خود، که در گیتی	کلید گنج الهی گشایشست و گشاد

\* شاعر بیان می‌دارد که انسان اگر از روی طمع و حرص به دنبال خواهش‌های نفسانی باشد، در نهایت برای نابودی خود گام برداشته است.

### ۲-۳- صبر و بردباری:

زیباترین ویژگی اخلاق فردی، صبر می باشد.

حضرت علی (ع) میفرماید: الْحِلْمُ وَالْأَنَاةُ تَوَآمَانِ، يُتْتَجُّهُمَا عُلُوُّ الْهَمَّةِ؛

بردباری و درنگ هم آهنگند و نتیجه آن بلند همتی است. (نهج البلاغه، حکمت ۴۶۰)

شریف مرتضی می‌گوید:

يا جملى ليس الى المشتكى

شکا الى جملى طول السرى

صبر جميل فكلانا مبتلى

الدر همان كلّفانى ماترى

(شریف مرتضی، ج ۱، ۲۵۶-۲۵۹)

\* شاعر در این جا با اوصافی زیبا، همگان را به صبری زیبا رهنمون می‌شود، آن هم صبری که در آن گلایه و شکایت نباشد، تا مورد عنایت ویژه حضرت حق قرار گیرد.

اوحدی نیز می‌سراید:

که در جمال تو دیدم کمال صنع خدا را  
درین دیار ندانم که رسم چیست شما را؟  
چو درد دوست بیامد چه می‌کنیم دوا را؟  
سخن ز خار برون آورند و سیم ز خارا؟

چگونه دل نسپارم به صورت تو نگارا  
نه رسم ماست بریدن ز دوستان قدیمی  
جراحت دل عاشق دوا پذیر نباشد  
صبور باش در این غصه، اوحدی، که صبوران

(اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۶۲، ۱۰۵)

اوحدی در ابیات بالا، توصیه به صبر و بردباری دارد. جمال خداوند را در جمال معشوق دانسته، در دوری از معشوق صبر و حلم دارد. چنین است که صبر از زیبا ترین مراحل رشد فکری و فرهنگی انسانیت است و باعث تثبیت اخلاق فردی به گونه ای والاتر خواهد شد و انسان را به خدا نزدیک و نزدیکتر خواهد کرد.

چنانکه مشاهده شد، دو شاعر هر کدام در مضمونی خاص صبر را زیبا جلوه داده اند و بیان داشته اند که یک راه رسیدن به حضرت معبود داشتن صبر و بردباری است و از محاسن اخلاق است.

با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، در دوران عباسی و اهمیت دادن به علم و عالمان و عنایتی که حاکمان عباسی به خاندان علوی داشتند؛ این امر باعث شد تا شریف مرتضی در اوج آزادی، تأثیرات قابل توجهی، هم در کلاس درسش بر شاگردان و هم در آثارش برای آیندگان به یادگار بگذارد. در بعضی جاها با توجه به تفسیر قران کریم ابیاتی را که جنبه تربیتی و پرورشی دارد سروده است که همواره راهنما و راه گشای اهل معرفت می باشد.

حَتَّى، إِذَا لَمْ يَتْرَكَ لِعِضَامِهِ  
لَحْمًا وَلَا لِفُؤَادِهِ مَعْقُولًا

(شریف مرتضی، ۱۳۹۶، ۱: ۲۵۷)

\* بیت بالا، اشاره دارد به سوره یوسف آیه ۱۸ و شاعر در این بیت، چنین می گوید: «تا آن که نه بر استخوان‌های او گوشتی گذاشتند و نه برای دل او درک و دریافتی.»

این بیت بیانگر این است که برادران یوسف، پیراهن او را به خونی دروغین آغشته کردند و نزد پدر آوردند؛ یعقوب گفت: نفس شما کاری «بدی» را برای شما آراسته است. اینک صبری نیکو برای من بهتر است، بر آن چه که توصیف می کنید خدا یاری ده است.

مضمون این بیت چنان است که عمق ظلم و ستمی را که فرزندان یعقوب بر پدر روا داشته اند، بیان شده که از شدت غم حضرت یعقوب به جز استخوان چیزی از وجودش باقی نمانده بود و راه درک را نیز بر او با نیرنگ بستند.

اوحدی مراغه‌ای معتقد است: ظلم و ستم کردن همچون نیش زدن عقرب است، اگر کسی در حق دیگری ظلم و ستم کند، در قبر، مارها هم‌نشین آن هستند، باید به زیر دستان کمک کرد و به آنها مهر ورزید، تا از عذاب آخرت در امان باشیم:

تو که امروز چو کژدم همه را نیش زنی  
مونس گور تو، شک نیست، که ماری باشد

یک دل سوخته بنواز، که کاریست عظیم  
ورنه آزار دل خلق چه کاری باشد؟

ارباب ظلم را بستم دست روزگار  
از بیخ برکنند، که درختان بی برند

(اوحدی، ۱۳۶۲: ۴۱-۴۳)

شاعر در ابیات زیر نیز تأکید به پرهیز کردن از ظلم به ستم‌دیدگان دارد. به عقیده شاعر، ظلم و پیروی از هوی و هوس، باعث نابودی فرد ظالم می شود.

ای خواجه ملک را که به دست تو داده اند  
قانون بدمنه، که به کلی تو می خوری

بی عدل ملک دیر نماند، نگاه دار  
مال رعیت از ستم و جور لشکر

گرد هوی مگر، که گردد وبال تو  
گر خود به بال جعفر طیار می پری

(همان: ۶۳)

## ۲-۵- تزویر و ریا:

شریف المرتضی بدترین شکل دوستی و شرایط آن را که بر ریا و نیرنگ بنا شده باشد؛ لایه انحرافی پنهان در اصل معرفی می‌کند که، باعث دوگانگی شخصیت انسان می‌شود و روح صداقت را از وجود انسان زایل می‌گرداند و شخص ریاکار در هیچ زمینه‌ای ارزش و بها نخواهد داشت و در فرجام کار متضرر اعمال خویش است.

و کیف تو اصل من اصبحت  
خلالته كأبی مرحب  
(شریف المرتضی، ج ۱: ۴۵۲)

\*«چگونه با کسی در می‌پیوندی که دوستی‌اش چون دوستی سایه است. برخی از دوستان در هنگام بلا و مصیبت از روباه مکارترند.»

شاعر این گونه رفتارها را از رذایل اخلاقی می‌داند که باعث گمراهی انسان می‌شوند و هرگز شخص ریاکار به مقصد نمی‌رسد. اوحدی مراغه‌ای، انسان‌های پاک باز و درست‌کار را یک رنگ معرفی می‌کند و گرانبهاترین چیز و با کم‌بهاترین چیز در نزد آن‌ها یکسان تلقی می‌شود. اما افراد ریاکار و دغل باز به دنبال خود نمایی هستند و همه انسان‌ها در آخرت به خاطر اعمالشان مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

پاکبازان را چه خارا و چه خز؟  
جامه گه ارزق کنی، گاهی سیاه  
آخرت زندان تن خواهد شدن  
گر تو ایزد را بدین خواهی شناخت  
چون نخواهی فهم کردن زان چه سود؟  
گر به رنگی قانعی در خرقة خز  
جامه خود دانی، تو مردم را مرز  
این که بر خود می‌تنی چون کرم قز  
نیک دور افتاده‌ای، سودا میز  
گر منت مشروح گویم، یا لغز

(اوحدی، ۱۳۶۲: ۲۳۸)

از شعر دو شاعر چنین بر می‌آید انسان ریاکار در هیچ زمینه‌ای بهایی نخواهد داشت، چون از درگاه حضرت حق دور افتاده است. پس بنابراین در تمام زمینه‌های فکری، فرهنگی و تربیتی منحط روزگار خویش است. نتیجه اعمالش را دیر یا زود خواهد دید.

## ۲-۶- تواضع و فروتنی:

اهین لهم نفسی لأکرمها بهم  
و لن تکرم النفس الّتی لاتهینها  
(شریف مرتضی، الامالی، ج ۲: ۶۳۰)

\*«در برابر آنان خود را خوار می‌کنم تا خود را به کمک ایشان گرامی گردانم و آن‌که خویش را خوار نسازد، خویش را گرامی نتواند گرداند.»



شریف المرتضی در این بیت این پیام را به مخاطب می دهد که؛ راه دیگر گرامی شدن و بزرگ شدن تواضع و فروتنی است، اگر انسان تواضع و فروتنی نماید و خود را در مقابل دیگران کوچک بشمارد، دیگران او را گرامی خواهند داشت.

اوحدی بیان می دارد که در برابر بزرگان اظهار بی چیزی کن و خود را درویش و مسکین قرار ده و در برابر آنان متواضع و فروتن باش و از فرصت عمر خود استفاده کن و فروتنی اختیار کن. این سخنان مبین این نکته است که، انسان در برابر زورگویان، ستمکاران، باید مقاوم باشد و در برابر زیر دستان و انسان های شایسته فروتن و مهربان باش! زیر لازمه غم گساری مردمان، ایستادگی در برابر زورگویان، بی اعتنائی به ریاکاران، پیکار با متعصبان و مهربانی با زیر دستان و رنجوران و احترام به انسان های شایسته است.

تو جز تواضع و جز طاعت اختیار مکن  
بدستت ار دو سه روز اختیار خواهد ماند  
بر رونق گل این باغ دل منه، زنهار!  
که گل سفر کند از باغ و خار خواهد ماند

(دیوان: ۴۲)

انسان فروتن و متواضع به آن چه که می خواهد می رسد، باید ریا و نیرنگ را از خود دور کرد و نباید به فکر نابودی دیگران بود، زیرا اگر کسی به فکر نابودی دیگران باشد، ابتدا بنیان خود را نابود خواهد ساخت.

هرگز به جان فرا نرسی بی فروتنی  
خواهی که او شوی تو، جدا کرد از منی  
زنهار! قصد کندن بیخ کسان مکن  
زیرا که بیخ خویشتست آنکه می کنی

(دیوان، ۶۷)

مضمون شعر هر دو شاعر چنین است که انسان همواره باید در مقابل دیگران متواضع و فروتن باشد، زیرا تنها راه گرامی داشتن خود و احترام گذاشتن به خود فروتنی و تواضع می باشد؛ و مداومت بر این امر موجب اخلاق فاضله و کردار حسنه خواهد شد و انسان متواضع در نزد همه گروهها عزیز گرامی خواهد بود و به خوبی میتواند الگوی زیبایی رفتار و کردار در میان جامعه خود و مخاطبانش باشد و بر دل های آنها حکومت کند.

۲-۷- عفو و بخشش:

کم يعرفوا غیربث العرف بینهم  
عفواً و لا طُبعوا إلا علی الجود

(شریف المرتضی، دیوان، ج ۱: ۴۰۱)

در دیوان شریف المرتضی از جمله صفات و خصوصاتی که برای اصحاب کربلا آورده شده، عطا و بخشش است و چنین می پندارد که بخشندگی و سخاوت جزء سرشت و فطرت آنان بوده است. آنان کسانی هستند که متاع دنیا برایشان پست و ناچیز است معتقد است کسانی که آماده اند گوهر جان خویش را در راه خدای متعال فدا سازند، قطعاً انسان های بزرگ و بخشنده ای هستند. اوحدی می گوید:

از اوحدی شنو: که بچل سال پیش از او  
این بخشش از محمد و حیدر به من رسید  
صد خرمن تمام ببخشیدم از کرم  
وز هیچ کس جوی، خجلم، گر به من رسید

(دیوان: ۴۶)

ترا رحمت فراوانست و ما لرزان ز بی برگی  
 چه آب روی خواهد بود بر خاک درت ما را  
 کجا شایسته دانم شد نظرگاه الهی را؟  
 ترا اندیشه عفوست و ما ترسان ز رسوایی  
 که بر دشت هوس کردیم چندین باد پیمایی  
 که عمر تلف کردم به خودرویی و خود رایی

(همان: ۷۳)

شاعر چنین بیان می دارد که نظر لطف و بخشش خداوند همواره متوجه انسان هست. انسان نیز می داند که خدای بزرگ ستار العیوب است و گناهان و خطاهای او را مورد عفو و بخشش قرار می دهد، این امر راه بازگشت و امیدواری خلق را به درگاه خالق میسر ساخته است.

در بررسی دو واژه عفو و بخشش در شعر دو شاعر می توان به مفاهیم زیر پی برد:

نخست: عفو و بخشش جان و مال، دوم: عفو و بخشش گناه و خطای خلق از سوی خالق. سوم: عفو و بخشش انسان ها نسبت به خطای یکدیگر. چهارم: معرفی الگوهای تمام عیار عفو و بخشش به جامعه بشری.

شریف المرتضی عفو و بخشش را از لحاظ گذشتن از جان و مال که متعالی ترین درجه عفو و گذشت است مطرح می کند و با ترسیم صحنه های کربلا برای مخاطبان خود انعکاس پیام؛ بالاترین درجه عفو و بخشش که گذشتن از جان و مال است را به عنوان برترین فضایل اخلاقی با اندیشه خود به یادگار گذاشته است.

پیامد این گونه افکار و اندیشه ها راهی جز رسیدن به کمال مطلق الهی در بر نخواهد شد.

اوحدی مراغه ای در صحنه ای دیگر عفو و بخشش خداوند را نسبت به انسان به تصویر می کشد و انسان را امیدوار به درگاه حضرت حق می گرداند، راه برگشت و تمسک مجدد را برای بشریت رهنمون می شود. در بیانی دیگر با نکته پردازی ادبی و هنر خود پیامبر اکرم(ص) و امام علی بن ابیطالب(ع) را بزرگترین الگوهای عفو و بخشش به جهانیان معرفی می کند. و خود نیز تابع و پیرو آن بزرگواران است.

در اندیشه این دو شاعر اگر تشابهات زیادی به چشم می خورد، در زمینه عفو و گذشت، هم نیز الگوهای یکسانی را به جامعه معرفی می کنند، که آن فقط تکیه بر سیره خاندان عصمت و طهارت(ع) و فرامین حضرت حق از مزایای سخن این دو شاعر می باشد. نوع دیگر بخشیدن و عفو چشم پوشی از خطای دیگران است، یقیناً این مهم از فضایل اخلاقی است و تنها در وجود انسان های شریف نهادینه شده است.

اگر بخواهیم از ابعاد روانشناسانه به این اشعار نگاه کنیم، در سایه عفو و بخشش نوعی آرامش روحی و روانی نهفته است؛ که همواره خاستگاه علم روانشناسی می باشد، و این جا باید به ادبیات به عنوان هنر برتر نگاه کنیم که می تواند به شکل تلفیقی کلیه مسائلی را که هم به پرورش و هم به تربیت و هم به آرامش روح و روان کمک کند، یک جا به جامعه مخاطب هدیه می کند.

## ۲-۸- حُسن خلق:

أما و جلال الله لو تذكّریننی  
فقلت: بلی و الله ذكراً لوأنه

(شریف مرتضی، امالی، ج ۲: ۹۲۱)

\*زَنهار، به جلال خداوند سوگند، اگر آن سان که یاد تو همواره هست از من یاد می‌کردی در چشم اشکی برای ریختن نمی‌ماند.  
\*آن دلبر گفت: آری، خداوند را سوگند یادی در من هست که اگر در دل سنگ سخت نیز جای می‌گرفت، آن سنگ از هم می‌شکافت.

در اندیشه شریف المرتضی، حُسن خلق جایگاه رفیعی داشته است، به طور کلی حسن و خلق باعث تسخیر دل‌ها می‌شود. اگر کسی حسن و خلق و زیبایی در رفتار و گفتار را سر لوحه خود در زندگی قرار دهد، بی‌شک بر دل‌ها حکومت خواهد کرد. اوحدی مراغه‌ای در باب حُسن خلق، سروده است:

شبی پروانه‌ای با شمع شد جفت	چو آتش در فتادش خویش را گفت
که پیش از تجربت چون دوست گیری	بنه گردن، که پیش دوست میری
سخن در دوستداری آزمودست	کزیشان نیز ما را رنج بودست
درین منزل نبینی دوستداری	که گر کاری فتد آید به کاری
چنین‌ها دوستی را خود نشاید	که اندر دوستی یک هفته پاید

(دیوان: ۴۴۱)

دیدگاه شاعر این است که انسان باید خوش رو و خوش اخلاق باشد، چرا که تداوم دوستی در اخلاق حسنه است، اگر انسان بد اخلاق باشد، هرگز دوستی او پایدار نخواهد بود.

بنابراین، در شعر دو شاعر نوعی رویکرد روانشناسانه پیداست که همواره سعی دارند آرامش و نرم‌خویی را به مخاطبان خود انعکاس دهند.

## ۲-۹- خشم و غضب

و لَقَدْ طَعَنْتَ ابا عینیه طعنه  
جرمت فزاره بعدها آن یَغْضَبُوا

(شریف مرتضی، امالی، ج ۱: ۲۶۸)

\* بر ابو عیینیه چنان ضربتی وارد آوردم که پس از آن فزاره را مسلّم شد که خشم آورد.

شاعر در بیانی خاص، در مورد ظهور و بروز خشم بر چهره تکیه دارد و چنین می‌پندارد که خشم و غضب و بروز حالات آن کمتر از ضربه سخت فیزیکی نخواهد بود، پیام این بیت به گونه‌ای است که خشم و غضب را تنها وارد آوردن ضربات سخت نمی‌داند، بلکه اخم و ترشروی آثار نفرت بارش از ضربه فیزیکی بیشتر است، این اعمال و رفتار حتی در برابر بدترین مسائلی که

مورد پسند هر انسانی نیست، معقول نمی باشد. همواره باید سعی و تلاش کنیم که خشم و غضب خود را در مقابل تمام موجودات و رفتارها و ناملایمات کنترل کنیم.

اوحدی مراغه‌ای می‌گوید:

بدان آتش رخ آوردند چون دود  
به خشم از سر گرفت آن تندخویی  
چو بد کردی، کندت بد مکافات  
رسی از آفت انگیزی به آفات

(دیوان: ۴۵۰)

بازتاب شعر شاعر این است که شخص خشن و عصبانی، سیل آفات و بلاها را به روی خودش می‌گشاید.

در شعر دو شاعر، خشم و غضب کاری مردود دانسته شده و ضمن نفی آن به تغییر خشم و غضب پرداخته‌اند و این مهم از دو منظر قابل بررسی است، نخست رویکرد تربیتی و دیگر رویکرد روانشناسانه.

در رویکرد تربیتی که با کنترل خشم و نبود آن ارج می‌دهد. خشم و غضب را در خور شأن انسان نمی‌داند، چون به مصداق آیه شریفه قرآن کریم و «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي وَ خَدَاوَنَدُ فَرْمُودَهٗ از رُوحِ خُودَمِ در اِنْسَانِ دَمِیدَمِ» پس یک بعد از وجود هر انسان روح خدای بزرگ و متعال است، خصوصیات روح خداوند غضب فوری نیست، زیرا اگر خداوند فوراً از دست بشر خشمگین شد که تا حالا بشری در زمین نمانده بود، پس از این حکمت خدای متعال که انسان‌های نیکوکار و بدکار همه را مرتب فرصت می‌دهد و روزگار و ادامهٔ حیات را برای آن‌ها تمدید می‌کند و در این سرّی نهفته است که می‌توان گفت به وسیلهٔ این موهبت وجودی، انسان‌ها می‌توانند در دنیا مکمل نقایص یکدیگر باشند و پازل انسانیت را در همهٔ امور با هم تنظیم و درست کنند و به کمک یکدیگر به سر منزل مقصود که همان کمال مطلق الهی است برسند. با این حساب خشم و غضب در گفتار و رفتار انسان‌ها هیچ جایگاهی ندارد.

رویکرد دیگر، رویکرد روانشناسانه است. بر اساس ملایمت و ملاحظت سخن گفتن و در خور فهم کردن مطلب و به اقتضای حال و مقام صحبت کردن که علاوه بر ادبیات در علم روانشناسی هم مد نظر می‌باشد. شاعر با توجه به شناختی که از محیط و شناختی که از فکر و فرهنگ مردم داشته است، چنان سخن را لطیف و نرم به کار برده که قدرت تأثیر آن را در گوش و جان مخاطب به نظاره بنشینند و همچنین آیندگان را نیز با این گونه لفظ و بیان به فیض اکمل برساند. روانشناسی نیز ابتدا رو حیات افراد را شناسایی می‌کند و به نحو مطلوب به مخاطب توجه می‌کند و بعد به قدرت تأثیر کلام بر اساس مراتبی می‌پردازد.

با توجه به آن چه که در شعر دو شاعر مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت، درست است که الفاظ آن‌ها متفاوت است، اما در معنی و مفهوم به دنبال یک هدف و یک مقصود بوده‌اند. شریف المرتضی شخصیت بسیار بزرگ و ارزنده‌ای بوده و با اندیشه‌ای فرا مذهبی که در وجود خود داشته، مجلس درس او شیفتگان بسیاری از سایر مذاهب و ادیان را نیز به خود جذب و جلب کرده است. چنان که در سرگذشت او و سخن و کلامش پیدا بود، مجلس درس او نیز مورد توجه سایر ادیان بوده است و این نشانی از روحیه بلند و افکار بشر دوستانه و فرا مذهبی او می‌باشد. اوحدی مراغه‌ای شخصیتی بوده که دارای افکار بسیار خوب تربیتی بوده؛ اما شخصیتی مستقل بوده که به همگان علاقه‌ای نشان نمی‌داده و این نشان از تعصب سخت ایشان می‌باشد.

با توجه به این که تعالیم اخلاقی در اشعار این دو شاعر از نظر معنایی مورد تفسیر و تحلیل و نقد قرار گرفته است، اگر چه مضامین آن‌ها با هم اشتراکاتی دارد، اما اگر به دقت به معنای شعر آن دو شخصیت بنگریم، شخصیت آن‌ها در لایه‌های پنهان شعرشان نهفته است، حقایق دو زبان متفاوت را در شعرشان می‌توان یافت و اشتراکات فکری و فرهنگی را هرگز نمی‌توان در بین زبان‌های مختلف و ملل مختلف بر اساس نیازهای بشریت نادیده گرفت، به هر صورت تمامی شخصیت‌های علمی فرهنگی هر عصر و دورانی میراث بزرگ فرهنگی و معنوی ممالک خود هستند و نشانی از عزت و افتخار و پابندی به ارزش‌ها به شمار می‌آیند.

در بررسی و مقایسه و تطبیق پیام‌های اخلاقی و تربیتی در شعر این دو شاعر در ادبیات عربی و ادبیات فارسی از اندیشه آن‌ها چنین استنباط می‌شود که:

شریف المرتضی و اوحدی مراغه‌ای اگرچه در دوران‌های تاریخی کاملاً متمایز، هم از نظر تقویم و هم از نظر فرمانروایی حکام کاملاً فرق دارند؛ اما به نظر می‌رسد تعلیم و تربیت اسلامی که همان رسیدن به خالق و پیمودن راه کمال است، در اندیشه دو شاعر کاملاً آشکار است و مشترکات فکری و فرهنگی و تربیتی فراوانی در آثار آنها، به چشم می‌خورد.

در شعر هر دو شاعر می‌توان رویکرد دینی و قرآنی، و رویکرد روانشناسانه و تربیتی را به وضوح مشاهده کرد.

با توجه به مضامین اشعار این دو شاعر چنین به نظر می‌رسد که از آیات قرآن و احادیث و سیره انبیاء و اولیاء خدا به صورت مداوم بهره می‌برده‌اند و همواره الگوی کار آن‌ها بوده است.

نکته دیگر رویکرد روانشناسانه است که می‌توان شاعران را بزرگترین روانشناسان زمان خود و بعد از آن به حساب آورد، زیرا اگر یک روانشناس با تعیین چندین جلسه به کار درمان مسائل و مشکلات روحی مردم جامعه می‌پردازد، ممکن است تأثیری هم نداشته باشد، در حالی که شاعر می‌تواند با صدور سخن در یک بیت، به سرعت درد و مشکلات روحی و روانی مردم جوامع مختلف را بدون مرز حل کند. در شعر دو شاعر نکته‌های ظریف روانشناسانه و تربیتی در زمینه‌های مختلف به چشم می‌خورد.

شریف مرتضی و اوحدی مراغه‌ای شعر خود را در قالب مواعظ و اندرزهای تعلیمی و تربیتی ساخته‌اند و از آن برای هدایت بشر از ظلمات و پلیدی‌ها به سوی خیر و نیکی و سعادت بهره‌جسته‌اند. از جمله تعالیم مشترک اخلاقی و تربیتی موجود در شعر این دو شاعر نمونه‌های بسیاری موجود است، اما عناوین زیر در شعر هر دو شاعر با یکدیگر در این مقاله، مطابقت شده‌اند:

۱- پند و اندرز ۲- تهذیب نفس ۳- صبر و بردباری ۴- ظلم ستیزی و شکایت از روزگار ۵- تزویر و ریا، ۶- تواضع و فروتنی، ۷- عفو و بخشش، ۸- حسن خلق، ۹- خشم و غضب.

\*به طور کلی در بسیاری از اشعار این دو شاعر فضیلت های اخلاقی که در حوزه محاسن و مکارم اخلاق هستند، دیده می شود و آشکارا با رذیلت های اخلاقی و امور دنیوی که باعث گمراهی بشر می شوند، مبارزه و آن ها را نفی می کنند. باید در یک جمله گفت که: سراسر شعر تعلیمی این دو شاعر امر به معروف و نهی از منکر است و دغدغه سلامت اخلاقی و معنوی انسان ها، جزء لاینفک اندیشه آن هاست. هر دو شاعر، پیوسته خواهان رسیدن انسان به کمال مطلوب الهی می باشند. این خیر اندیشان جامعه انسانیت، خود نیز از فیض کمال الهی و چشمه های معرفت ربّانی نوشیده اند و آن را برای بشریت نیز آرزو می کنند و با اندیشه خود، راه تحصیل آن را به انسان ها می آموزند.

## منابع:

۱. قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قشمه‌ای.
۲. نهج البلاغه، ۱۳۷۹، گرد آورنده شریف رضی محمد بن حسین، مترجم و شارح، فیض الاسلام اصفهانی علی نقی، تهران، انتشارات فیض الاسلام.
۳. اوحدی مراغه‌ای، ۱۳۶۲، دیوان کامل، با مقدمه ناصر هیری، تهران: انتشارات پیشرو.
۴. ....، ۱۳۹۱، کلیات اشعار، منطق العشاق و جام جم، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران، انتشارات سنایی.
۵. تقی زاده، محمود، ۱۳۸۰، سیری در اندیشه های اخلاقی، تهران: انتشارات سرمدی، چاپ اول.
۶. حاجی بابائیان امیری، محسن، ۱۳۸۸، روش های تربیت اخلاقی کاربردی در اسلام، تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
۷. حسنعلیان، سمیه، خوبیان بادی، لیلا، ۱۳۹۴، بازتاب پیام های اخلاقی و تربیتی در آینه اشعار عربی و فارسی شعر شریف المرتضی و حکیم سنایی، کنفرانس بین المللی ادبیات و پژوهش های تطبیقی در آن، استان گلستان-گرگان.
۸. علم الهدی، علی بن حسین موسی (سید المرتضی)، ۱۳۹۶، امالی، ترجمه و تحقیق صابری، حسین، ج ۱-۴، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
۹. فاضل جمالی، محمد، ۱۳۶۰، تربیت از دیدگاه قرآن، تهران: کانون انتشارات محمدی